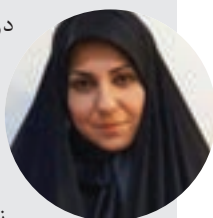


یادداشت

این میدان نیازمند حضور خلاق زنان است

نسیم کاهیرده، کارشناس دینی و پژوهشگر جامعه شناسی تشیع



در عصر پرتلاطم کنونی، که هویت های فرهنگی و دینی در معرض چالش های نوپدید جهانی قرار گرفته اند، جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگویی از حاکمیت مبتنی بر ارزش های دینی، مسئولیتی مضاعف در صیانت و انتقال سرمایه های فرهنگی خود دارد. در این میان، فرهنگ عاشورا، به مثابه قلب تپنده هویت شیعی، می تواند نقشی کلیدی در بازسازی و تحکیم پیوندهای میان نسلی ایفا کند. اما تحقق این مهم، بی تردید، نیازمند بازتعریف نقش آفرینی زنان به ویژه مادران است. زنان در گفتمان سیاسی امام خمینی^(ع)، نه در حاشیه، که در متن تحولات اجتماعی و فرهنگی انقلاب جای دارند. با این حال، شاهد کاهش چشمگیر حضور مؤثر زنان مذهبی در عرصه های فرهنگی و تبلیغی بوده ایم؛ گویی رسالت سترگ انتقال مفاهیم دینی به نسل آینده، به تدریج از دستان پرتوان این قشر فرهیخته فاصله گرفته است. عوامل متعددی در این روند مؤثر بوده اند، از نبود راهبردهای روشن فرهنگی گرفته تا مشکلات معیشتی و روزمرگی مفرط برخی از فعالان زن. اما شاید مهم ترین آسیب، قطع شدن تدریجی رابطه زنده و الهام بخش میان مادران دیندار و نوجوانان باشد. فضایی که روزگاری گرمابخش تربیت دینی فرزندان بود، اکنون در بسیاری موارد، به سکوت یا تقابل انجامیده است.

این خلأ فرهنگی در حالی رخ می دهد که نوجوان امروز، در دریای پرتلاطم رسانه های جهانی غوطه وراست. محتواهای مهیج، جذاب و بی وقفه پلتفرم هایی چون اینستاگرام، تیک تاک و یوتیوب، با زبانی ملموس و مؤثر، ذهن و دل نوجوان را تسخیر می کنند. در برابر این موج سهمگین، مانع تنها تولید محتوای متناسب نداشته ایم، بلکه در درک زبان و نیاز این نسل نیز کاستی هایی اساسی داشته ایم.

در این میان، عاشورا همچنان می درخشد؛ نه تنها به عنوان واقعه ای تاریخی، بلکه به عنوان منبعی بی پایان از الهام، ایثار و هویت سازی. نوجوانی که عطش معنا، هیجان و قهرمان دارد، می تواند در سیمای حضرت قاسم^(ع)، حضرت رقیه^(س) یا حضرت زینب^(س) الگویی شکوهمند بیابد؛ اگر و تنها اگر این مفاهیم، با زبان زمانه اش ترجمه شوند.

این ترجمه، نه در خطابه های رسمی، که در قالب های نوین ارتباطی محقق می شود؛ ساخت پویانمایی های عاشورایی، طراحی بازی های رایانه ای با محتوای حماسی، نگارش رمان های تخیلی مذهبی برای دختران نوجوان، و تولید پادکست ها و ویدئو هایی کوتاه و تأثیرگذار، این میدان، بیش از هر چیز، نیازمند حضور خلاق، همدل و روزآمد زنان مؤمن و دغدغه مند است.

نقش مادران مذهبی در این میان، نه صرفاً تربیتی، که راهبردی و تمدن ساز است. آنان می توانند پل ارتباطی میان سنت و مدرنیته، میان هیئت و خانه، میان مسجد و مدرسه باشند. البته به شرطی که دیده شوند، حمایت شوند، و فرصت کنشگری فرهنگی به آنان داده شود.

ضروری است که نهادهای فرهنگی همچون مساجد، هیئات و پایگاه های بسیج، از حالت سنتی خارج شده و به مراکزی برای تولید، حمایت و توزیع محتوای فرهنگی تبدیل شوند. مهم تر آنکه، باید بانگهای رحمانی و همراه با مدارا، دل های نگران بسیاری از مادران را که شاید ظاهر مذهبی کمتری دارند، اما دغدغه نجات فرزندانشان را در دل می پروراند، به صحنه آورد.

در نهایت، عاشورا، فرصتی است برای بازگشت، فرصتی برای بازسازی گفتمان دینی، بازبانی نو، قلبی پرمحبت و نگاه های عمیق. اگر زنان، همچون زینب کبری^(س)، بار پیام عاشورا را بر دوش کشند، بی شک نوجوان این مرز و بوم، نه تنها از هویت خود گریزان نخواهد شد، که پرچم دار آن خواهد گشت.

اما نکته آخر اینکه نقش زنان در انتقال فرهنگ عاشورا را باید فراتر از یک کارکرد سنتی یا خانوادگی نگریست. در واقع، آن ها حاملان یک «قدرت نرم» فرهنگی اند که در بستر تربیت، روایتگری، و همدات پنداری عاطفی شکل می گیرد. نظریه پردازان فرهنگی، زنان را به عنوان «میانجیان معنایی» معرفی می کنند؛ کسانی که مفاهیم پیچیده و انتزاعی را در قالب های ملموس و زیسته به نسل بعد منتقل می کنند. به ویژه در سنت شیعی، که بر تجربه عاطفی دین تأکید دارد، نقش زن به مثابه راوی عاشورا، نه تنها یک کنش مذهبی بلکه یک اقدام راهبردی برای استمرار حافظه جمعی است. از همین روست که زنان، اگر به جایگاه واقعی خود در تولید گفتمان دینی دست یابند، می توانند عاشورا را از یک مناسک تکراری، به یک منبع پویای تربیت و بیدارسازی نسل ها تبدیل کنند.

در نظر داشته باشیم که با وجود تمام تلاش ها، توفیق واقعی از جانب خداوند است و اگر او رحمت خاصی نصیب فرزندی کند، آن فرد در مسیر معنویت و ایمان رشد فزاینده ای خواهد داشت. حضور در مجالس قرآن و ذکر اهل بیت^(ع)، به طور طبیعی روحیه فرزند را نرم و قابل پذیرش از الهام های الهی می کند. همان طور که شیطان در محیط های ناپاک فشار می آورد، خداوند در کنار کسانی است که در راه خودش و اهل بیت می روند. بنابراین، هرچه فرزندان بیشتر در این فضا های معنوی حضور یابند، رشد معنوی او گسترده تر و پایدارتر خواهد شد. به تمام مادران عزیز توصیه می شود که با آگاهی و برنامه ریزی، فرزندان خود را در این مسیر همراهی کنند. علم روان شناسی نیز ثابت کرده است که ذکر خوب، اثر خوبی دارد.

حتی در مسائلی مثل شیرد های، اگر با طهارت، پاکی و نیت خوب همراه باشد، می تواند تأثیرات مثبتی بر روح و روان فرزند داشته باشد.

حضور در مجالس اهل بیت^(ع)؛ زمینه ساز هویت معنوی

این کارشناس تاریخ اسلام با تأکید بر اهمیت حضور در مجالس معنوی، یادآور می شود: شرکت در مجالس دینی، به ویژه مجالس اهل بیت^(ع)، تأثیر عمیقی در روحیه و رشد ایمانی فرد دارد. وقتی انسان در محیطی نیک و پیر نور الهی حضور می یابد و با افرادی متعهد و متدین ارتباط برقرار می کند، علاقه و پیوندی عمیق با آن مکان و فرهنگ پیدا می کند که می تواند در تمام عمر با او همراه باشد.

ما شاهد هستیم که برخی افراد از کودکی فرصت حضور در مجالس سید الشهداء^(ع) را نداشته اند و این نقص تربیتی باعث شده است که اراده ای جدی برای شرکت در مراسم مذهبی، از جمله مراسم اربعین، نداشته باشند. در حالی که کسانی که این فرصت را داشته اند، با عشق، شوق و احساس خاصی این سفر را طی می کنند و با برداشتی عمیق و معنوی بعد از این سفر به زندگی عادی باز می گردند. بنابراین، حضور مداوم در این مجالس، از دوران کودکی و نوجوانی، نقشی اساسی در شکل گیری شخصیت معنوی فرد دارد.

الگو برداری از استقامت اهل بیت^(ع)؛ رمز پایداری

دکتر غروی در پایان می گوید: ذکر داستان ها و نمونه هایی از استقامت، صبر و جهاد خانواده اهل بیت^(ع) و همچنین برجسته کردن ظلم و بدی دشمنان، به طور طبیعی در ذهن فرد جای می گیرد و او را برای تحمل تهاجمات زندگی آماده می کند؛ چه در مواجهه با دشمنان دین، چه در برابر مشکلات داخلی و اجتماعی.

این الگوها، انگیزه بخش صبر و پایداری در مسیر حق هستند و یادآوری آن ها، سبک زندگی ای است که باعث حفظ و سرفرازی ملت و دین می شود. اگر این نمونه های والا وجود نداشتند، نه تنها دین اسلام، بلکه هویت و استقلال ما نیز در معرض خطر قرار می گرفت.